

یادداشت

ملت؛ قهرمان گمشده سیاست



حامد نقی لو

کارشناس سیاست خارجی

بر پایه اصل مرتقی «مردم‌سالاری دینی» و تأکیدات مکرر بر اینکه «مردم صاحب اصلی کشور هستند»، این پرسش بنیادین رخ می‌نماید که آیا سیاست امروز، به‌راستی تجلی‌گاه این آرمان والااست؟ ملت، قلب تپنده سیاست است؛ قهرمان گمشده‌ای که هرگاه در متن قرار گرفته، سیاست جان گرفته و هرگاه به حاشیه رانده شده، سیاست از جان افتاده و به آیینی تهی بدل شده است. امریکبر مصداق روشن این حقیقت بود. او سیاست را برای مردم آغاز کرد، نه برای تثبیت قدرت شخصی. او می‌دانست که اگر جامعه آموزش ببیند و عزت یابد، سیاست ریشه می‌دواند. اصلاحات او نه از سر جاده‌طلبی، بلکه از باور به این اصل ساده بود که مشروعیت راستین حکمرانی فقط زمانی پایدار است که ملت در کانون آن باشد. هر بار که این آموزه فراموش شده، سیاست به قالبی توخالی بدل شده است. در تاریخ ایران، هرگاه همگان به صحنه آمده‌اند، سیاست شکوفا شده است. از مشروطه تا نهضت ملی، از حماسه‌های دفاع تا حضور در عرصه‌های بزرگ ملی، همواره این حضور زنده بوده که به سیاست معنا بخشیده است. مردم هستند که می‌توانند سیاست را از انحصار گروه‌های خاص بیرون بکشند و آن را به عرصه همگانی بازگردانند. در جهان نیز مانند‌ا سیاست را به روایت رهایی یک ملت پیوند زد و دوگل عظمت فرانسه را در زبان هم‌وطنانش بازآفرینی کرد. همه اینها نشان می‌دهد حکمرانی زمانی به اوج می‌رسد که مردم قهرمان آن باشند. امروز اما خطر آن است که این قهرمان بار دیگر به تماشگری خاموش بدل شود. زبان کنیک و محاسبات خشک، جایگزین زبان گویای ارتباط با همگان شده است. جامعه در انبوه شاخص‌ها و ارقام محصور می‌شود؛ نرخ تورم، درصد مشارکت، رشد اقتصادی، حال آنکه هیچ‌کدام از این ارقام نمی‌تواند جای آن حضور گرم و زنده‌ای را بگیرد که سیاست را از اداره صرف، به روایتی انسانی ارتقا می‌دهد.

ملت قهرمان گمشده است؛ زیرا گاه سیاست‌مداران ترجیح می‌دهند داستان را بدون او روایت کنند. آنها قدرت را میان خود تقسیم می‌کنند، روایت را به زبان نخبان می‌نویسند و مردم را فقط به عنوان عددی در حاشیه نگه می‌دارند. اما این نیروی زنده، خلاق است. آنان می‌توانند سیاست را انسانی کنند، می‌توانند قدرت را به اخلاق پیوند بزنند و می‌توانند روایت را از سردی محاسبه به گرمای زندگی بازگردانند. بازگرداندن این قلب تپنده به مرکز فقط یک انتخاب نیست، یک تکلیف تاریخی و شرعی است. سیاست باید برای مردم باشد، نه بر آنان. حکمرانی باید همگان را قهرمان کند، نه ابزار. این تحول نیازمند شجاعت است؛ شجاعت فرمانروایانی که حاضر باشند، روایت را از زبان دیوانسالاری به زبان زندگی ترجمه کنند و سیاست را از بازی سرد محاسبه به همان گرم امید تبدیل کنند. این تحول همچنین نیازمند پیداری و خودآگاهی همه ماست. مردمی که جایگاه خویش را به یاد آورند و آن را با وقار تمام مطالبه کنند؛ مردمی که سیاست را از قفس آمار و ارقام بیرون کنند و دوباره به آن جان بخشد. جامعه باید بداند که سیاست بدون او قالبی بی‌معناست و فرماندهان باید بدانند که قدرت راستین آنان، ریشه در اعتماد و همراهی همین جمع دارد. تاریخ گواهی می‌دهد که هرگاه ملت در مرکز بوده، سیاست تابناک و پایدار شده و هرگاه به حاشیه رفته، حکمرانی به خزانی سرد دچار آمده است. امروز نیز اگر بخواهیم سیاست را دوباره زنده و تابناک کنیم، چاره‌ای جز بازگرداندن این قهرمان به مرکز آن نیست. باید سیاست را برای مردم تعریف کنیم، نه بر آنان؛ باید آنان را قهرمان کنیم، نه تماشاگر؛ باید سیاست را به داستان یک ملت تبدیل کنیم، نه به بازی قدرت. ملت، قهرمان گمشده سیاست است، اما این چهره محجوری می‌تواند دوباره پیدا شود. یافتن او نیازمند بازگشتی آگاهانه به همان آرمان اولیه است؛ اینکه حکمرانی، خدمت است، قدرت، امانت است و سیاست، داستان زندگی مردمی است که قهرمانان اصلی آن هستند. سیاست بدون ملت، قالبی خالی است. ملت بدون روایتی که شرح‌حالش کند، جماعتی خاموش است. فقط زمانی که ملت و سیاست دوباره در هم بیامیزند، حکمرانی به کمال خویش می‌رسد و ملت به جایگاه راستین خویش بازمی‌گردد. این نوشتار، دعوتی است به این بازآزمیزی؛ به بازگرداندن ملت به مرکز سیاست، به بازگرداندن انسان به قلب قدرت، به بازگرداندن زندگی به داستان سیاست. ملت باید دوباره قهرمان شود. این چهره گمشده فقط زمانی پیدا می‌شود که سیاست‌مداران، خدمت را بر معامله قدرت ترجیح دهند؛ فقط زمانی پیدا می‌شود که زبان سیاست، دوباره زبان انسان و زندگی باشد؛ فقط زمانی پیدا می‌شود که همه ما، بیدار و آگاه، جایگاه از یاد رفته خویش را طلب کنیم. سیاست زمانی دوباره زنده خواهد شد که ملت نه در حاشیه، بلکه در متن تاریخ ایستاده باشد.

خبر

در جلسه هیئت دولت مطرح شد

تأکید بر تشکین کار پیگیری مطالبات فعالان اقتصادی در دولت

رئیس جمهور با تأکید بر اولویت حمایت از بخش خصوصی، از تدایم پیگیری مطالبات فعالان اقتصادی خبر داد و اعلام کرد نتایج نشست‌های تخصصی با تشکیل‌های اقتصادی را شخصاً بررسی خواهد کرد و برای اجرای راهکارهای عملیاتی، تصمیم‌گیری خواهد شد. به گزارش ایسنا، رئیس جمهور در جلسه هیئت دولت با تشریح فرآیند انتخاب رئیس کل جدید بانک مرکزی، جزئیات بررسی‌ها و تصمیم‌گیری‌های انجام‌شده در این باره را تبیین و از خدمات و تلاش‌های محمدرضا فرزین در دوران تصدی ریاست بانک مرکزی، قدردانی کرد. در ادامه این جلسه و با معرفی وزیر امور اقتصادی و دارایی، همتی برنامه‌های خود را برای اداره بانک مرکزی ارائه کرد و پس از برسی، اعضای هیئت دولت با تصدی او بر ریاست بانک مرکزی موافقت کردند. در بخش دیگری از این جلسه، آقایان حسن‌زاده و نوده‌فرمانی، رؤسای اتاق بازرگانی و اتاق اصناف، با حضور در نشست هیئت دولت، مهم‌ترین مسائل، مشکلات و مطالبات فعالان اقتصادی بخش خصوصی را تشریح کردند. رئیس جمهور با اشاره به نشست‌های تخصصی برگزارشده در ماه‌های گذشته با تشکل‌های مختلف بخش خصوصی، تصریح کرد: فلسفه حضور ما در دولت، تسهیل فعالیت‌ها و بهبود فضای کسب‌وکار برای بخش خصوصی است. در همین چارچوب، کارگروه‌های موضوعی با مشارکت اعضای تیم اقتصادی دولت و نمایندگان تشکله‌ها تشکیل شده تا به‌صورت مستمر مسائل و مشکلات این حوزه را بررسی و راهکارهای اجرایی و عملیاتی ارائه کنند. پزشکیان افزود: مقرر شده نتایج این نشست‌های تخصصی در جلساتی با حضور شخص رئیس‌جمهور مطرح بررسی و تصمیم‌گیری شود. پیگیری مطالبات فعالان اقتصادی بخش خصوصی با جدیت از سوی تمامی اعضا و ارکان دولت ادامه خواهد یافت تا زمینه فعالیت مؤثرتر آنان فراهم شود. همچنین در سفرهای خارجی دولت نیز تسهیل تعاملات بین‌المللی فعالان بخش خصوصی به‌طور جدی دنبال می‌شود. در ادامه، رؤسای اتاق بازرگانی و اتاق اصناف با تأکید بر ماهیت غیرسیاسی مطالبات مطرح‌شده، اعلام کردند که فعالان اقتصادی بخش خصوصی این مسائل را در چارچوب قوانین و سازوکارهای موجود قابل حل‌وفصل می‌دانند.

مهدی بازرگان: یک روز پس از دیدار بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ و ادعاهای مطرح‌شده علیه تهران، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در یادداشتی برای گاردین از وجود آمادگی بی‌سابقه میان برخی دوستان مشترک ایران و آمریکا برای تسهیل گفت‌وگو و تضمین اجرای کامل و قابل راستی‌آزمایی نتایج مذاکرات خبر داده است و این وضعیت را نویدبخش توصیف می‌کند. به گفته وزیر خارجه کشورمان، با وجود تلاش اسرائیل برای تخریب مسیر دیپلماسی در مذاکرات هسته‌ای، ایران همچنان آماده دستیابی به توافقی مبتنی بر احترام متقابل و منافع مشترک است.

سکسان‌دار سیاست خارجی تأکید می‌کند مذاکره با تحمیل شروط تسلیم تفاوت ماهوی دارد و مردم ایران، با توجه به تجربه‌های تلخ گذشته، به وعده‌ها با احتیاط می‌نگرند. او معتقد است اعتمادسازی از سوی آمریکا مستلزم تغییر لحن و خطاب محترمانه به ملت ایران است. ایران، به گفته عراقچی، هرگز خواهان جنگ نبوده و خویش‌تن‌داری نظامی خود را نشانه مسئولیت‌پذیری می‌داند، نه ضعف. وزیر خارجه تصریح می‌کند ایران از حقوق قانونی خود، از جمله بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز، کوتاه نخواهد آمد و توافق عادلانه باید لغو واقعی و قابل راستی‌آزمایی تحریم‌ها را در بر گیرد. او این مقطع را فرصتی کوتاه، اما نیازمند شجاعت سیاسی برای شکستن چرخه بحران می‌داند.

گفتنی است دونالد ترامپ روز دوشنبه در جریان نشست مطبوعاتی مشترک با بنیامین نتانیاهو با ادبیاتی ضدایرانی مدعی شد: «اگر تهران اقدام به بازسازی توان تسلیحاتی و برنامه هسته‌ای خود کند، آمریکا چاره‌ای جز نابودکردن تاسیسات ایران نخواهد داشت». البته مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، در واکنشش به اظهارات دونالد ترامپ درباره ایران، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «پاسخ جمهوری اسلامی ایران به هر تجاوز ستمکارانه‌ای، سخت و بی‌شیمان‌کننده خواهد بود». محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی هم در صفحه شخصی خود در شبکه ایکس نوشت: «ایران برای دفاع از خود از کسی اجازه نمی‌گیرد؛ پاسخ مردم ایران به هر ماجراجویی و شرارتی، گسترده، بدون اغماض و حتی غیرمنتظره است. تصمیمات و اقدامات ایران برای تأمین منافع و دفاع مشروع و بحق از خود، لزوماً باید پیش‌بینی با مشابه گذشته نخواهد بود». در همین حال، عباس عراقچی، در نامه‌ای به وزیران خارجه کشورها با تأکید بر اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵، تهدید به استفاده از زور علیه ایران را نقض آشکار منشور ملل متحد دانست و آن را اقدامی تجاوزکارانه و غیرقانونی علیه تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران خواند. او با یادآوری حملات مشترک آمریکا و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵، نقش مستقیم واشنگتن در این حملات را مصداق نقض حقوق بین‌الملل و مسئولیت کیفری مقامات آمریکایی برشمرد. عراقچی همچنین هشدار داد حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل امنیت منطقه و جهانی را تهدید می‌کند و تأکید کرد ایران حق دفاع مشروع خود را طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد محفوظ می‌داند.

سیگنال خاموش دیپلماسی

یادداشت اخیر عباس عراقچی در گاردین را می‌توان متنی چندلایه دانست که فرائر از یک موضوع‌گیری رسانه‌ای، حامل پیام‌های دیپلماتیک و هشدارهای غیرمستقیم نسبت به مسیر پیش‌روی بحران است. در خوانش نخست، هم‌زمانی انتشار این یادداشت با سفر بنیامین نتانیاهو به واشنگتن و دیدار او با دونالد ترامپ، معنادار است. در فضایی که تل‌آویو تلاش می‌کند با برجسته‌سازی روایت‌های امنیتی، ایران را به کانون تهدید و عامل بی‌ثباتی معرفی کند، چنین متنی می‌تواند تلاشی حساب‌شده برای مهار تنش، تعدیل فضای روانی و جلوگیری از تصاعد بحران باشد؛ پیامی خطاب به افکار عمومی غرب که تهران همچنان زبان دیپلماسی را کنار نگذاشته و در پی توافقی مبتنی بر احترام متقابل است، نه تقابل پرهزینه.

اما در لایه‌ای دیگر، یادداشت عراقچی را می‌توان ادامه همان سنت «کدگذاری دیپلماتیک» دانست که او در مقاطع مختلف، چه در قالب مقاله و چه مصاحبه، به کار گرفته است؛ تلاشی برای ارسال سیگنال‌های غیرمستقیم به طرف مقابل مبنی بر وجود پنجره‌ای محدود برای گفت‌وگو. این شیوه در گذشته، زمانی که هنوز موازنه‌های حقوقی و سیاسی به‌طورکامل به ضرر ایران تغییر نکرده بود، می‌توانست بخشی از یک ابتکار فعالانه تلقی شود. با



عباس عراقچی

نگاهی به یادداشت اخیر عباس عراقچی و اعلام آمادگی برای مذاکرات، هم‌زمان با سفر نتانیاهو به آمریکا و دیدار با ترامپ

کدگذاری دیپلماتیک در میانه بحران

این حال، تفاوت امروز با آن مقاطع، در تغییر بنیادین بستر مذاکراتی نهفته است.

پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت، زمین بازی به‌طور محسوسی عوض شده است. در چنین شرایطی، صرف ارسال پیام‌های نرم یا تأکید بر آمادگی برای توافق، الزاما به معنای گشایش مسیر مذاکره نیست. چه این یادداشت را تلاشی برای مهار بحران بدانیم و چه مقدمه‌ای برای آغاز گفت‌وگو، واقعیت آن است که فضای کنونی بیش از هر زمان دیگری نامتقارن شده است. نشانه‌ها حاکی از آن است که یا اساساً مذاکراتی شکل نخواهد گرفت، یا اگر هم گفت‌وگویی آغاز شود، چارچوب و دستورکار آن بیش از گذشته از سوی واشنگتن و متحدانش تعریف خواهد شد.

در این میان، تحولات داخلی و فشارهای اقتصادی و اجتماعی اخیر نیز بر وزن و جایگاه تهران در معادلات افزوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که ایران، به‌جای آنکه یکی از طرف‌های تعیین‌کننده مذاکره باشد، در معرض آن قرار گرفته که به «موضوع مذاکره» بدل شود. هشدار نهفته در این وضعیت آن است که استمرار دیپلماسی بدون بازتعریف ابزارها، اولویت‌ها و نسبت میان قدرت میدانی و گفت‌وگو، می‌تواند به فرسایش موقعیت چانه‌زنی بینجامد. از این رو متن عراقچی هرچند از منظر ادبیات دیپلماتیک سنجنیده و قابل دفاع است، اما در سطح راهبردی یادآور این ضرورت است که دیپلماسی در شرایط جدید، نیازمند بازآرایی جدی و پرهیز از خوش‌بینی‌های پرهزینه است.

محسن جلیلود: یادداشت عراقچی یک واکنش انفعالی بود



پیرو آنچه گفته شد، محسن جلیلود در گپ‌وگفتش با «شرق» و در تحلیل یادداشت اخیر عباس عراقچی، آن را بیش از آنکه نشانه‌ای از «کدگذاری دیپلماتیک» برای آغاز مذاکرات بداند، واکنشی انفعالی به فضای شکل‌گرفته پس از اظهارات دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو ارزیابی می‌کند. به باور استاد روابط بین‌الملل: «هم ایران و هم آمریکا در موقعیتی با مطالبات حداکثری قرار دارند و همین امر، افق هرگونه مذاکره معنادار را تیره کرده است». تحلیلگر حوزه سیاست خارجی تأکید می‌کند: «در چنین شرایطی، اقداماتی مانند یادداشت عراقچی با مواضع تویتری دیگر مقامات، بیشتر جنبه پاسخ سیاسی و مدیریت فضا دارد تا گشایش واقعی در مسیر گفت‌وگو».

این کارشناس در ادامه، گزاره‌ای را که این روزها در فضای تحلیلی مطرح می‌شود، مبنی بر اینکه ایران دیگر «طرف مذاکره» نیست و به «موضوع مذاکره» تبدیل شده را از زاویه‌ای متفاوت بررسی می‌کند و معتقد است: «مسئله اصلی، نه مذاکره با آمریکا، بلکه نوع رابطه حاکمیت در ایران با مردم است». از نگاه این مدرس دانشگاه: «اگر حقوق بنیادین مردم، از معیشت تا کیفیت زندگی و محیط زیست، به‌درستی تأمین و توانمندی داخلی تقویت شود، اساساً طرف مقابل جرئت فشار و تحمیل نخواهد داشت». او با اشاره به تجربه‌های تاریخی مانند ویتنام یا حتی اتحاد شوروی، استدلال می‌کند: «قدرت سخت بدون پشتوانه مردمی، الزاماً به نتیجه سیاسی نمی‌رسد».

جلیلود باور دارد: «مذاکره زمانی معنا پیدا خواهد کرد که موضوع آن روشن و مطالبات طرف مقابل قابل گفت‌وگو باشد». درحالی‌که به گفته او: «مطالبات کنونی آمریکا، از «تسلیم بی‌قید و شرط» گرفته تا به‌رسمیت‌شناسن اسرائیل، مطالباتی بنیادین و غیرقابل‌پذیرش برای ایران است؛ مطالباتی که نه صرفاً نظام سیاسی، بلکه موجودیت و منافع ملی کشور را هدف گرفته‌اند». از این منظر، مفسر حوزه سیاست خارجی اذعان دارد: «طرف مقابل گام‌به‌گام پیش می‌آید و تحولات داخلی ایران را نیز با دقت رصد می‌کند».

در پاسخ به پرسش درباره چشم‌انداز سال ۲۰۲۶ و رفتار احتمالی ترامپ، جلیلود جنگ قریب‌الوقوع را محتمل نمی‌داند، اما هشدار می‌دهد «فشار اقتصادی و معیشتی به‌صورت هدفمند تشدید خواهد شد». به تعبیر او: «آمریکا با درک محدودیت منابع ایران، از جمله برداشت از صندوق توسعه ملی و تشدید تحریم‌ها، تلاش می‌کند شش‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶ و اوایل ۱۴۰۵، فشار را پس از تعطیلات نوروز و ماه رمضان به نقطه فرسایشی برساند». استاد روابط بین‌الملل با انتقاد صریح از طرح ایده «برکت تحریم‌ها» از زبان عراقچی تأکید می‌کند: «چنین ادبیاتی با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور همخوانی ندارد و هزینه‌های آن مستقیم بر دوش مردم افتاده است».

امیرعلی ابوالفتح: ایران هم موضوع مذاکره است و هم طرف مذاکره



برخلاف خطوط تحلیلی جلیلود، امیرعلی ابوالفتح طی گفت‌وگو با «شرق» و در ارزیابی اظهارات اخیر عباس عراقچی، تأکید می‌کند: «این مواضع اساساً حرف تازه‌ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیست و در امتداد همان رویکردی قرار دارد که تهران طی سال‌های گذشته بارها بر آن پافشاری کرده است». به گفته استاد مطالعات آمریکا: «موضع رسمی ایران همواره آمادگی برای گفت‌وگو در چارچوب احترام متقابل و تأمین منافع دوطرفه بوده؛ گفت‌وگویی که در آن ایران حاضر است به نگرانی‌های طرف مقابل پاسخ دهد، مشروط بر آنکه طرف مقابل نیز نگرانی‌های ایران را به رسمیت بشناسد و بر حقوق قانونی کشور، ذیل قواعد و اسناد بین‌المللی، صحه بگذارد». به تعبیر این تحلیلگر حوزه بین‌الملل: «ایران عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و این معاهده به‌صراحت حق برخورداری از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، از جمله غنی‌سازی را برای اعضا به رسمیت می‌شناسد».

ابوالفتح با اشاره به تجربه‌های پیشین مذاکراتی به «شرق» می‌گوید: «در مقطعی که طرفین در حال گفت‌وگو بودند، حملات اسرائیل و آمریکا به ایران صورت گرفت و از این منظر نیز موضع کنونی تهران، تأکید دوباره بر همان خطوط قرمز و اصول قبلی است». از نگاه استاد روابط بین‌الملل: «اگر آمریکا واقعاً بخواهد در همین چارچوب حرکت کند، رسیدن به تفاهم دشوار نخواهد بود». او هم‌زمانی انتشار یادداشت عراقچی با سفر مقامات اسرائیلی به واشنگتن و تلاش تل‌آویو برای جلب حمایت آمریکا برای تکرار سناریوی درگیری نظامی را طبیعی می‌داند و معتقد است: «دستگاه دیپلماسی ایران ناگزیر بوده به این تحركات پاسخ دهد؛ پاسخی که این‌بار در قالب مقاله‌ای در یک رسانه معتبر اروپایی ارائه شده است».

ابوالفتح تصریح می‌کند: «اسرائیل و برخی جریان‌ها در آمریکا می‌کشند با تمرکز بر ادعاهایی مانند نابودی برنامه هسته‌ای ایران، پرونده‌های جدیدی همچون توان موشکی را به دستورکار فشار اضافه کنند». به گفته استاد مطالعات آمریکا: «هرچند ترامپ در اظهارات خود نوعی چراج سبز مشروط نشان داده، اما همان «اما»ی کوچک درباره احتمال بازسازی توان هسته‌ای با موشکی ایران، نشان می‌دهد رویکرد تهدید همچنان پابرجاست». از نگاه این تحلیلگر حوزه بین‌الملل: «روشن نیست که چنین مواضعی تا چه اندازه بتواند به تعدیل رفتار طرف مقابل یا جلوگیری از تنش نظامی منجر شود».

در پاسخ به این پرسش که در آستانه سال ۲۰۲۶ و پس از یک سال پرتنش که هم شکست مذاکرات و هم تجربه جنگ را در بر داشته، چشم‌انداز تعامل با دولت ترامپ چیست، ابوالفتح اعتقاد دارد: «اساساً مذاکره متوقف نشده است». به باور او: «مذاکره صرفاً به معنای نشستن دو هیئت در یک اتاق نیست، بلکه تبادل پیام‌ها، توییت‌ها، شروط و حتی اعلام «مذاکره نمی‌کنیم» نیز بخشی از فرایند مذاکره است. مسئله اصلی، نه آغاز یا توقف گفت‌وگو، بلکه فاصله عمیق میان خواسته‌های دو طرف است؛ فاصله‌ای که فعلاً دستیابی به توافق را نامحتمل می‌کند، زیرا شروطی مانند غنی‌سازی صفر یا ورود به حوزه‌های دفاعی و موشکی از منظر ایران قابل‌پذیرش نیست».

او در واکنشش به این گزاره که ایران پس از بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحولات اخیر، از «طرف مذاکره» به «موضوع مذاکره» تبدیل شده، این برداشت را نمی‌پذیرد و تأکید می‌کند: «ایران همچنان هم موضوع مذاکره است و هم طرف آن». به گفته تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا: «حتی کشورهایی که در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارند نیز طرف مذاکره محسوب می‌شوند و جایگاه ایران، با وجود خسارت‌ها و فشارها، همچنان قابل توجه است».

او استدلال می‌کند: «اگر ایران بی‌اهمیت شده بود، اساساً نیازی به این سطح از تحركات دیپلماتیک، سفرها و فشارها وجود نداشت». در نهایت، ابوالفتح بر این نکته تأکید می‌کند: «با وجود تغییرات در معادلات، دیپلماسی همچنان اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه پس از جنگ و حمله، ابزار مؤثرتری جز گفت‌وگو باقی نمی‌ماند و واقعیت‌های میدانی نیز نشان می‌دهد نه برنامه هسته‌ای ایران از میان رفته و نه سایر مؤلفه‌های قدرت آن».

خبر

پیام سپاه پاسداران در پی شهادت سخنگوی گردان‌های القسام

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پی شهادت ابوعبیده، سخنگوی گردان‌های القسام و چند نفر دیگر از رزمندگان مقاومت فلسطین تأکید کرد: سپاه پاسداران ضمن تمجید از روایت دقیق و شفاف پیروزی‌های مقاومت فلسطین از لسان جناب ابوعبیده و به استیصال کشاندن بنگاه‌های تبلیغاتی صهیونی برای سانسور و تحریف پایداری مقاومت فلسطین، این شهادت مظلومانه و تروریستی را نشانه پیروزی رزمندگان مقامت فلسطین می‌داند.

به گزارش ایسنا به نقل از سپاه‌نیوز، در بخشی از این پیام آمده است شهادت جناب ابوعبیده، سخنگوی رشید، شجاع و مجاهد گردان‌های قسام به همراه اعضای خانواده و چهار تن دیگر از رزمندگان مقاومت فلسطین را به امت اسلامی، ملت مظلوم فلسطین و خانواده‌های معظم شهدا تسلیت و تریک عرض می‌نمایم.

شهادت مظلومانه این عزیزان تصویر حقیقی استواری، پایداری و شکوفایی مجاهدان مقاومت در برابر رژیم تروریست و کودک‌کش صهیونی را به همگان نشان داد. بی‌شک راه شهیدان زنده است و ظنین مقاومت اسلامی تا آزادسازی قدس شریف خاموش‌ناپذیر خواهد بود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن تمجید از روایت دقیق و شفاف پیروزی‌های مقاومت فلسطین از لسان جناب ابوعبیده و به استیصال کشاندن بنگاه‌های تبلیغاتی صهیونی برای سانسور و تحریف پایداری مقاومت فلسطین، این شهادت مظلومانه و تروریستی را نشانه کارآمدی، سربلندی و پیروزی رزمندگان مقامت فلسطین در میدان و شکست ارتش صهیونی در مقابله با مقاومت می‌داند و اعلام می‌دارد آینده قطعاً از آن مقاومت است.

خدای بزرگ را شاکریم که پیوستگی هنرمندانه میدان و روایت مقاومت ضدصهیونیستی توسط افسران عرصه جنگ نرم مقاومت موجب توسعه و تعالی «گفتمان مقاومت» در سطح ملت‌های جهان به‌ویژه ملت‌های اروپایی و آمریکا و افزایش جریان ظلم‌ستیزی در عرصه بین‌الملل شده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن گرامیداشت یاد، نام و راه مقدس شهیدان قدس به‌ویژه مقاومت اسلامی فلسطین، بار دیگر بر ادامه مسیر آنان تا آزادی کامل قدس شریف و ازاله رژیم اشغالگر و غاصب صهیونیستی از این سرزمین مقدس تأکید می‌کند.

مخالفت حزب اتحاد ملت

با رویکرد دولت در تنظیم

لایحه بودجه ۱۴۰۵

سخنگوی حزب اتحاد ملت گفت دولت حزب با رویکرد دولت در تنظیم لایحه بودجه سال آینده، مخالف است. به گزارش ایسنا، فاطمه پهلوانی، سخنگوی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی، در تشریح جزئیات جلسه روز هشتم دی‌ماه ۱۴۰۴ در دفتر سیاسی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی که به ریاست آذر منصوری، دبیرکل این حزب تشکیل شد، اظهار کرد: در این جلسه پس از تبادل اخبار، دفتر سیاسی اعتراض خود را درباره رویکرد دولت در تنظیم لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ ابراز کرد.

دولت برای جبران کسری‌های خود تحمل فشار بیشتر بر مردم بی‌پناه را برگزیده است. نتیجه چنین بودجه‌ای که برآمده از سیاست‌های کلی نادرست است، غلب‌ماندگی بیشتر کشور از قافله توسعه بشری، فرسودگی روزافزون زیرساخت‌های کشور، فقیرترشدن بیش‌ازپیش مردم است.

او ادامه داد: در ادامه جلسه رئیس کمیسیون اقتصادی گزارشی از دو جلسه این کمیسیون را با موضوعات «وضعیت بخش صنعت کشور» و «بررسی آثار سیاست خارجی کشور بر تجارت خارجی» و همچنین رئیس کمیسیون اجتماعی گزارشی از آخرین جلسه این کمیسیون با موضوع «وضعیت اجتماعی کشور» را به جلسه ارائه کردند.